



دیدگاهی در مورد اروپای ۱۹۹۲*

تعرفه و تجارت (GATT)، جامعه اروپا باید بروی کشورهای ثالث باز باشد و حسب ضرورت، جهت دسترسی به بازار آنها برای صادرات جامعه، مذاکره نماید. اروپای واحد در عین حالیکه به وحدت و هویت بازار داخلی خود توجه دارد، بدنبال حفظ تعادل منافع مورد توافق نیز می باشد و کمیسیون نیز براساس همین دیدگاه در حال نهایی کردن استراتژی خود برای اقتصاد خارجی و سیاست تجاری می باشد. کمیسیون، اصول تعیین کننده سیاست اقتصاد خارجی در سال ۱۹۹۲ و همچنین رویه متخذه برای اجرای آن اصول را

اروپای ۱۹۹۲ یک شریک مؤثر برای دنیا خواهد بود. این نتیجه گفتگوهای است که توسط کمیسیون اروپایی در زمینه ابعاد خارجی بازار واحد اروپا در سال ۱۹۹۲ انجام شده است. براساس این نتیجه گیری، جامعه اروپا بسوی مهمترین «انقلاب آرام» از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۵۷ تا کنون پیش میرود. این امر نیاز به کوشش جدی دولت‌های عضو جامعه خواهد داشت و نتیجه آن باید تثبیت موقعیت جامعه اروپا به عنوان نیروی هدایت کننده تجارت جهانی باشد. بدین لحاظ، جامعه اروپا بدنبال آزادی بیشتر تجارت بین المللی خواهد بود: اروپای ۱۹۹۲ نه یک دژ نفوذناپذیر، بلکه یک شریک تجاری مؤثر برای دنیا خواهد بود. شورای اروپایی هانور^۱ تاکید کرده است که بازار داخلی نباید محدود به خود باشد. بر طبق ترتیبات موافقتنامه عمومی

* اراده این مقاله به منزله پذیرش مواضع مطروحه نبوده و صرفاً جهت اطلاع خوانندگان از دیدگاههای مختلف در این زمینه صورت گرفته است.

(1): Hanover European Council

(بصورت موردی) مورد تایید قرار داده است.

اصول :

— ۱۹۹۲ منافع یکسانی برای کشورهای عضو و غیر عضو جامعه اروپا خواهد داشت.

کمیسیون خاطر نشان میسازد که بازار واحد نه تنها به نفع شرکتهای اروپایی بلکه به نفع شرکتهای کشورهای غیر عضو جامعه اروپا نیز خواهد بود. بازار واحد بدان معنی است که بجای دوازده مرز فقط یک مرز خواهد بود و قوانین، استانداردها، آزمایشها و گواهی های تولید کنندگان یکسان و یا مشابه خواهند بود و صرفه جویی های مقیاس، با توجه به وجود یک بازار ۳۲۰ میلیونی، امکان پذیر خواهد بود. تکمیل این بازار واحد همچنین باعث پیشرفت اساسی اقتصاد جامعه اروپا خواهد شد، پیشرفتی که واکنشهای مطلوبی در داخل و خارج از جامعه خواهد داشت.

— ۱۹۹۲ به مفهوم حمایت گرای نیست

کلیه آمارهای اقتصادی مربوطه نشان میدهد که برای جامعه اروپا متکی شدن به حمایت گرایی نامعقول خواهد بود. از آنجا که جامعه اروپا بعنوان بزرگترین صادرکننده دنیا، $\frac{1}{8}$ از تجارت جهانی را در دست دارد (آمریکا ۱۵٪، ژاپن ۹٪)، این

جامعه بشدت به تجارت بین المللی وابسته است (صادراتش ۱۰٪ تولید ناخالص داخلی آنرا تشکیل می دهد در صورتیکه این رقم برای آمریکا ۵٪ است). بنابراین جامعه اروپا در وجود تجارت بین المللی آزاد منافی اساسی دارد.

جامعه اروپا مانند شرکای تجاری خود، هرگونه ابزار سیاست تجاری را که در اختیار داشته باشد، هوشیارانه بکار خواهد برد.

— جامعه اروپا از عهده تعهدات بین المللی خود برخوردار خواهد آمد.

تحول در سیاست اقتصاد خارجی جامعه اروپا تا سال ۱۹۹۲، هماهنگ با تعهدات بین المللی موجود آن (اعم از چند جانبه یا دوجانبه) صورت خواهد گرفت.

— ۱۹۹۲ باید به تقویت سیستم چند جانبه بر اساس عمل متقابل کمک نماید

هر مرحله در یکپارچگی جامعه اروپا همراه با حرکتی بسوی آزادسازی بیشتر سیستم چند جانبه است. برای ۱۹۹۲، هدف جامعه، تقویت سیستم چند جانبه بر طبق مفهوم تعادل منافع متقابل و عمل متقابل می باشد. این موارد، دو اصل پذیرفته شده بین المللی سیاست تجاری در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)

که جامعه اروپا دسترسی آزاد به منافع ۱۹۹۲ را به شرکتهای کشورهای که بازارهای آنها قبلاً باز شده و یا بر طبق خواسته خودشان و یا از طریق توافقنامه‌های چند جانبه یا دوجانبه آماده باز شدن است، عرضه می نماید.

— عمل متقابل^۱ چه مفاهیمی را دربر ندارد

عمل متقابل نه بدان معناست که تمامی شرکاء باید امتیازات یکسان بدهند و نه حتی بدان معناست که جامعه اروپا بر کسب امتیازات از جانب کلیه شرکاء اصرار خواهد نمود. برای مثال، جامعه از کشورهای در حال توسعه نخواهد خواست که امتیازاتی خارج از توانایی‌های خود بدهند. عمل متقابل به این مفهوم نیست که جامعه از شرکای خود خواهد خواست که قوانین یکسان با قوانین او را بکار ببرند. همچنین، عمل متقابل بدین مفهوم نیست که جامعه اروپا بدنبال «عمل متقابل بخشی»^۲ بر مبنای سطوح نسبی تجارت می باشد.

ابعاد خاص

برخی از اهداف داخلی جامعه در قانون واحدی درج شده و طبیعی است که این برنامه باید بسوی گسترش و تقویت سیاست

می باشند. تجربه «GATT» نشان میدهد که در مذاکرات چندجانبه به منظور آزادی دسترسی به بازار، پیشرفتهایی حاصل می شود، زیرا کلیه شرکت کنندگان امتیازاتی را رد و بدل می کنند، از اینرو، هر یک از آنها در مذاکرات به تعادل منافع دسترسی پیدا می کنند.

در بخشهایی که هیچگونه قوانین چندجانبه وجود ندارد، جامعه سعی خواهد کرد که از طریق مذاکرات برای توافقنامه‌های بین المللی جدید، آزادی بیشتری در تجارت جهانی ایجاد نماید. مذاکرات دورارگونه موقعیتی را فراهم می سازد که جامعه اروپا از آن در جهت هدف فوق استفاده نماید. البته اعطای دسترسی اتوماتیک و یکطرفه به منافع روند آزادسازی داخلی، به کشورهای غیرعضو قبل از وجود چنین توافقنامه‌هایی، مناسب نخواهد بود. کشورهای غیرعضو در صورتی سود خواهند برد که یک تعادل منافع براساس روح قوانین «GATT» قابل حصول باشد. بنابراین جامعه اروپا باید برای کسب دسترسی مطلوب به بازارهای شرکای خود، با آنها بطور دوجانبه مذاکره نماید.

به عبارت دیگر، کمیسیون، حق ایجاد دسترسی به منافع ۱۹۹۲ را برای شرکتهای کشورهای غیرعضو در صورت تضمین شرایط مشابه (با حداقل شرایط بدون تبعیض) در آن کشورها، حفظ می نماید. این بدان معناست

(1): Reciprocity

(2): Sectoral Reciprocity

خارجی مشترک رهنمون شود. این امر نه تنها در هماهنگی قوانین واردات بلکه در تعمیم قوانین جامعه به بخشهایی که تا بحال به بازار واحد دست نیافته اند، منعکس خواهد شد.

کمسیون، توجه خاصی به جنبه های خاص بُعد خارجی بازار واحد به عنوان ابزاری برای تنظیم رهنمودهایی جهت نهایی کردن خط مشی های مورد به مورد در این زمینه مبذول داشته است.

۱- اثرات خارجی از میان برداشتن مرزهای فیزیکی

ایجاد بازار داخلی باعث رفع ناهماهنگیهای باقیمانده در ترتیبات صادرات و واردات خواهد شد. در حال حاضر برخی محدودیتهای مقداری در کشورهای عضو جامعه اروپا وجود دارد که عمدتاً بر کشورهای اروپای شرقی و ژاپن اثر می‌گذارد و همچنین سهمیه های ملی موافقتنامه های منسوجات یا سیستم عمومی ترجیحات (GSP)^۱ را شامل می‌گردد. تکمیل بازار واحد به معنای رفع محدودیتهای مقداری می باشد و به قوانین وارداتی یکسان در رابطه با کشورهای غیرعضو جامعه نیاز دارد.

البته ممکن است که در برخی از زمینه های حساس، ضوابط جامعه جایگزین ضوابط ملی گردد. در اینصورت جامعه این

ضوابط را به موازات تعهدات بین المللی و بدنیال مذاکرات با شرکای خود اتخاذ خواهد کرد. این ضوابط منجر به سطح بالاتری از حمایت نسبت به آنچه که فعلاً وجود دارد نخواهد شد.

۲- رفع موانع تکنیکی استانداردها و گواهی ها

رفع موانع تکنیکی تجارت اعم از قوانین تکنیکی، استانداردها، آزمایشات یا گواهی ها، بوسیله هماهنگ سازی یا به رسمیت شناختن متقابل انجام خواهد شد.

در مورد برسمیت شناختن متقابل قوانین تکنیکی، به عنوان یک اصل، هر محصولی که در قلمرو جامعه اروپا عرضه شود تا زمانیکه با قانون کشور وارد کننده مطابقت داشته باشد و در بازارهای آن پذیرفته شود، از مزیت گردش آزاد در جامعه اروپا برخوردار خواهد بود. در مورد هماهنگ سازی، سازمانهای استاندارد اروپایی بر مبنای کاری که در سطح بین المللی انجام شده است بطور سیستماتیک عمل می‌کنند و در صورت ضرورت، قوانین تکنیکی هماهنگ با توجه به قوانین «GATT» تدوین می‌شود. البته برای استانداردها و گواهی ها، در صورت لزوم جامعه اروپا در مورد قراردادهای به رسمیت شناختن متقابل مذاکره خواهد کرد.

(1): Generalised System of Preferences

بود. در نظر جامعه چهاربخش خدماتی ارزش توجه بیشتر در جزئیات را دارند که عبارتند از: خدمات مالی، حمل و نقل، ارتباطات راه دور و خدمات اطلاعاتی.

رقابت

تکمیل بازار داخلی با تقویت سیاست رقابتی و خصوصاً کنترل شدیدتر کمکهای دولت همراه خواهد بود. کارتها، قراردادهای یا سوءاستفاده‌ها از یک موقعیت قدرت که اثری بر قلمرو جامعه دارد، در محدوده قانون جامعه قرار خواهد گرفت.

خرید سهام و کنترل شرکتها

در جامعه هرگونه قوانینی در مورد پیشنهاد خرید سهام شرکتها به منظور کنترل آنها، تدوین شود، در مواردی که شرکتی از کشور غیرعضو خریدار باشد، باید امکان کسب شرایط مشابه در کشور غیرعضو برای شرکتهای جامعه در نظر گرفته شود.

بازار واحد: جزئی پویا از یک اقتصاد آزاد جهانی

مقدمه

بازار واحد افکار جهانیان را بخود مشغول کرده است: اروپای ۱۹۹۲، مفاد و نتایج آن در کانون یک بحث شدید قرار دارد. این امر

برای بخشهایی که تحت پوشش قانون موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) می‌باشند، بدان معناست که شعبات اروپایی شرکتهای خارجی و شرکتهای اروپایی دسترسی مشابهی به بازار خواهند داشت. عرضه کنندگانی که دارای دفتر نمایندگی در جامعه نیستند نیز هنوز تحت پوشش قانون (GATT) می‌باشند که برطبق آن امضاء کنندگان یک قرارداد می‌توانند امتیاز دسترسی متقابل و غیرتبعیض آمیز را به یکدیگر اعطا نمایند.

با این وجود، برنامه ۱۹۹۲ امکان گسترش این امتیاز را به بخشهایی که تحت پوشش قانون «GATT» نیستند (آب، حمل و نقل، انرژی و ارتباطات) نیز فراهم نموده است. در این بخشها جامعه حاضر به مذاکره با شرکای خود می‌باشد تا دسترسی به امتیازات بازار داخلی به منظور تضمین تعادل منافع امکان پذیر شود.

خدمات

در تکمیل بازار داخلی در نظر است که تقسیم موجود بازارهای خدماتی جامعه به بخشهای کوچک از میان برداشته شود. هرگاه در این زمینه قانونی وجود نداشته باشد، جامعه بدنبال فراهم نمودن دسترسی شرکتهای کشورهای غیرعضو براساس گسترش متقابل بازار در آن کشورها خواهد

(1): Take Over

مربوطه، نشانگر یک دیدگاه منطقی و منسجم بر مبنای یک تجزیه و تحلیل هوشیارانه از منافع جامعه و احترام نسبت به منافع شرکای آن می باشد.

اثر اقتصادی خارجی بازار واحد

اثر بازار واحد بر اقتصاد جهانی تا حدی به نتایج اقتصادی قابل پیش بینی جایگزینی یک بازار به جای دوازده بازار جداگانه و تا حدی به محتوای ضوابط سیاست خارجی همراه با آن بستگی دارد.

تولیدکنندگان جامعه اروپا و صادرکنندگان خارجی هر دو از فعالیت در یک بازار واحد با مجموعه واحد قوانین، استانداردها، آزمایشها و گواهی ها، مستقیماً سود خواهند برد. آنها دیگر با دوازده نوع نیازهای متفاوت و همچنین با کنترلهای مرزی داخل جامعه روبرو نیستند. همگی آنها از هزینه های پایین تر و استفاده از صرفه جویی های مقیاس که بوسیله یک بازار با ۳۲۰ میلیون مصرف کننده فراهم میشود، بهره مند خواهند شد.

گزارش «پائولو سچیسی» نتایج کلان اقتصادی ناشی از تکمیل بازار داخلی را، حتی در صورت فقدان ضوابط اضافی سیاست خارجی، برآورد کرده است. این برآوردها نشان میدهد که تجارت درون جامعه اروپا در میان مدت حدود ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت. بهبود قابلیت رقابت تولیدکنندگان جامعه نیز صادرات جامعه به

نتیجه مستقیم طرح این باور است که برنامه بازار واحد اکنون غیرقابل توقف است و چهره اقتصاد جامعه اروپا و جهان را تغییر خواهد داد.

تحت چنین شرایطی تعجب آور نیست که جامعه با انبوه درخواستها برای کسب اطلاعات در مورد اثر بازار واحد بر روی اقتصاد جهانی و بر روابط جامعه اروپا با شرکای کشورهای جهان سوم، روبرو می باشد. کمیسیون باید به این درخواستها پاسخ دهد بدین ترتیب که روشن سازد اندیشه هایش در مورد این موضوع چگونه شکل گرفته و تکامل می یابند. در این رابطه، کمیسیون مطلع است که تشویش گسترده ای در بین شرکای تجاری جامعه وجود دارد که ممکن است جامعه یک دیوار حمایتی بدور بازار واحد خود بنا نماید و از سیستم اقتصاد جهانی آزاد روبروگرداند. دورنمای ناخوشایند یک اروپای نفوذناپذیر بارها عناوین خبری را تشکیل داده اند.

در داخل جامعه نگرانیهای بیهوده ای وجود دارد، در این مورد که درهم شکستن موانع داخلی ممکن است بیش از همه به نفع شرکتهای خارجی که در بازار جامعه فروش دارند، باشد، بنابراین منافع بلاعوضی را برای شرکای جامعه فراهم می سازد.

هر دو نگرانی فوق بدون پایه و اساس است. دستیابی به بازار واحد نه تنها برای شهروندان جامعه بلکه برای اقتصاد جهانی بطور کلی، منافع اقتصادی دربرخواهد داشت. بعلاوه ضوابط سیاست خارجی

سایر نقاط دنیا را به همان میزان ۱۰ درصد تشویق خواهد نمود.

در صورت عدم وجود تعدیلاتی در سیاستهای اقتصادی، رشد واردات به جامعه که توأم با رشد اقتصادی جامعه است، افزایش کمتری خواهد داشت که باعث ایجاد یک مازاد (حدود یک درصد تولید ناخالص داخلی آن) در تراز تجاری جامعه خواهد شد. در حقیقت این مازاد فرضی، نشان دهنده موقعیتی برای بکارگیری سیاستهای پویاتر اقتصاد کلان جهت افزایش بیشتر رشد جامعه می باشد که متقابلاً رشد بیشتر واردات را نیز تشویق خواهد کرد. در یک کلام، ترکیب پویایی بیشتر که در ایجاد بازار واحد یک عامل اصلی بشمار میرود و بهره برداری از موقعیت هایی که این امر برای پیگیری سیاستهای اقتصاد کلان معطوف به رشد، فراهم می سازد، به جامعه اجازه خواهد داد که یک محرک جدید قوی را برای اقتصاد جهانی، که بسیاری از مشکلات آن ریشه در رشد کند سالهای اخیر دارد، ایجاد نماید.

محتوای سیاست خارجی

اثر کلی بازار واحد بر شرکای جامعه اروپا نیز تا حدی بوسیله مفاد مربوط به بُعد سیاست خارجی آن، تعیین می گردد. این سیاست جدید نیست. معاهده رم که برای رفع کلیه موانع گمرکی بین دولتهای عضو برقرار شد نیز یک سیاست خارجی مشترک

را فراهم ساخت، خصوصاً با توجه به بازار مشترکی که ایجاد شد. این امر متناسب با یکپارچگی داخلی روزافزون آن به جامعه یک هویت خارجی بخشید. قانون بازار واحد و برنامه ۱۹۹۲ صرفاً این فلسفه بازار داخلی را گسترش داد و به آن عمق بیشتری بخشید و مکانیسم های دستیابی به آن را معرفی کرد. بنابراین طبیعی است که این مکانیسم ها با گسترش و تکمیل سیاست خارجی مربوطه همراه باشند. این به معنای توسعه قوانین جامعه برای دسترسی تولید کنندگان کشورهای جهان سوم به بازار جامعه، در کلیه زمینه هایی که بازار واحد در آنها تحقق یافته است، می باشد. در بسیاری موارد این امر به مفهوم جایگزینی قانون جامعه اروپا بجای ضوابط سیاسی دولت های عضو می باشد. بدین ترتیب نیاز به گسترش محدوده قانون سیاست خارجی جامعه برای برخی این سوء تفاهم را پیش آورده است که مقصود، افزایش سطح حمایت می باشد.

شورای اروپایی در هانور قبلاً یک خط مشی عمومی را به صورت زیر بیان نموده است:

«بازار داخلی نباید خود را محدود نماید. در پیروی از ترتیبات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)، جامعه اروپا باید بر روی کشورهای جهان سوم باز باشد و در صورت لزوم جهت تضمین دسترسی به بازار آنها برای صادرات جامعه، با آن کشورها مذاکره نماید. جامعه اروپا بدنبال حفظ تعادل منافع بطور هماهنگ خواهد بود، ضمن

آنکه به هویت بازار داخلی جامعه نیز توجه خواهد داشت.»

این بیانیه مهم بر تعهد جامعه به یک سیستم تجاری چندجانبه آزاد، تاکید می نماید. چنین تعهدی منعکس کننده این حقیقت است که جامعه اروپا بزرگترین شریک تجاری دنیاست و سهم تجارت خارجی در اقتصاد آن نسبت به سایر شرکای تجاری عمده، نقش بسیار بزرگتری را ایفا می نماید.

منطق بازار واحد این است که با کاهش هزینه ها و افزایش زمینه های بازار داخلی برای شرکتهای اروپایی، این شرکتها را در یک موقعیت رقابتی قوی تر در مقابل تولیدکنندگان کشورهای جهان سوم، در بازارهای اروپایی و بین المللی قرار دهد. کلیه منافع ناشی از این افزایش قابلیت رقابت تنها در صورتی قابل کسب است که منجر به افزایش تجارت جهانی براساس مزیت نسبی شود.

این منطق دلیلی است برای تقویت سیستم تجاری چندجانبه آزاد فعلی با پیگیری گشایش بازارهای جهانی که منافع متقابلی را در بردارد، نه دلیلی برای شروع یک حرکت حمایت گرایانه که صرفاً موقعیتهای بازار را برای تولیدکنندگان در جامعه کاهش می دهد.

به عبارت دیگر «اروپا به عنوان یک دژ نفوذناپذیر» مفهومی ندارد. تعهد جامعه اروپا نسبت به آزادسازی یک شعار نیست، بلکه انعکاس ساده منافع جامعه می باشد که

منطبق بر منافع شرکای آن نیز هست.

ضوابط سیاست خارجی

در رابطه با بازار واحد می توان سه گروه مختلف ضوابط سیاست خارجی را تشخیص داد: گروه اول ضوابط ضروری و لازم الاجرا برای رفع موانع داخلی می باشد. برخی از این ضوابط تحت پوشش تعهدات بین المللی فعلی جامعه اروپا قرار دارند، در صورتیکه برخی دیگر در محدوده سیاست جامعه و قوانین بین المللی نیستند و هنوز بدانها پرداخته نشده است.

بهترین مثال ضوابط ضروری سیاست خارجی، مربوط به خلاءهایی است که هنوز در سیاست تجاری مشترک، بدلیل تفاوتهای گسترده بین سیستم وارداتی بکاررفته در هر یک از دولتهای عضو وجود دارد. مهمترین آنها عبارتند از: محدودیتهای مقداری در رابطه با واردات محصولات خاصی از ژاپن و اروپای شرقی، محدودیتهای ثابت برای هر یک از دولتهای عضو در سهمیه های داخلی جامعه تحت قراردادهای دوجانبه منسوجات و برای محصولات حساس در سیستم عمومی ترجیحات برای کشورهای در حال توسعه.

چنین ضوابطی زمانی که پستهای مرزی بین دولتهای عضو از بین برود، معنایی ندارد، زیرا دیگر کاربردی نخواهد داشت. بعد از ۱۹۹۲، قوانین جامعه اروپا در رابطه با واردات از کشورهای جهان سوم نیاز به هماهنگی و یکساختی کامل دارد. در

هستند که قانون خارجی را به زمینه هایی که تحت پوشش قوانین بین المللی نیستند، گسترش می دهند. در اینجا نیز همان منطق بکار میرود و ضروری است که همان هدف گسترش بازار در سطح جهانی دنبال شود.

مفهوم عمل متقابل

چگونه می توان به این هدف دست یافت؟ تجربه نشان می دهد که در مذاکرات چندجانبه به منظور دسترسی آزاد به بازارها، در صورتی پیشرفت حاصل میشود که کلیه شرکت کنندگان امتیازات را به نحوی مبادله نمایند که یک تعادل سودمند و متقابل منافع برای کلیه طرفهای ذی نفع، از مذاکرات بدست آید. این روش غالباً به مفهوم «عمل متقابل عمومی»^۱ می باشد.

بطور خلاصه اشاره به این نکته دارای اهمیت است که «عمل متقابل عمومی» نه بدان معناست که کلیه کشورها امتیازات مشابهی را ارائه نمایند و نه بدان معنا که کلیه کشورها ملزم به مشارکت در امتیازات مشابه هستند. چنین بنظر میرسد که سطح مشارکت کشورها می تواند به سطح توسعه آنها بستگی داشته باشد. جامعه اروپا برای امتیازات مورد نیاز خود، هیچ درخواستی از کشورهای در حال توسعه شریک که قادر به ارائه آن نیستند، نمیکند.

بسیاری موارد محدودیتهای ملی براحتی حذف خواهد شد، اگر چه این امر نیاز به کمک جامعه اروپا برای سازماندهی مجدد بخشهای خاصی - که از حساسیت برخوردارند - دارد.

لکن، این احتمال که در پایان سال ۱۹۹۲ هنوز معدودی از کالاها وجود خواهند داشت که مشکلات خاص اقتصادی آنها در کشورهای عضو ایجاب می نماید که ضوابط جامعه جایگزین ضوابط حمایتی کشورهای عضو گردد را نباید از نظر دور داشت. البته این قبیل ضوابط باید با تعهدات جامعه نسبت به «GATT» کاملاً هماهنگی داشته باشند.

با توجه به این گروه از ضوابط، اثر نهایی گسترش سیاست خارجی جامعه اروپا مبهم نخواهد بود. بازار جامعه بطور کل سطح حمایتی پائین تری نسبت به وضع فعلی خواهد داشت.

گروه دوم ضوابط مربوط به زمینه های متعددی است که در آنها قانون جدید خارجی کاملاً هماهنگ با تعهدات موجود جامعه (اعم از چندجانبه یا دوجانبه) خواهد بود. این ترتیبات قبلاً بطور عمده بر مبنای هدایت تولید کنندگان بسوی آزادسازی روزافزون بازارهای جهانی بوده است و بنابراین گسترش محدوده قوانین جامعه در چهار چوب این ترتیبات بار دیگر منجر به کاهش حمایت و نه افزایش آن در سطح جهانی خواهد شد.

گروه سوم شامل تعدادی از ضوابط

(1): Overall Reciprocity

پیگیری چند جانبه آزادسازی طی دهها سال در چهارچوب بسیاری از زمینه‌های سیاستگذاری در جریان بوده است. همانطور که قبلاً اشاره شد، جامعه همچنان به تعهدات بین‌المللی خود به عنوان بخشی از این روند توجه خواهد نمود. در زمینه‌هایی که هنوز تحت پوشش قوانین موجود در **نیامده‌اند** (مانند تجارت خدمات) هدف جامعه این است که از طریق مذاکرات برای قراردادهای جدید بین‌المللی به آزادسازی بیشتری دست یابد.

مذاکرات دوراروگروه موقعیت مهمی را برای تحقق این امر فراهم می‌سازد و زمانیکه تعهدات جامعه به نتایج موفقیت آمیزی برسد، کاملاً در سیستم خارجی آن منعکس خواهد شد.

تا زمان به اجرا درآمدن چنین موافقتنامه‌ای، اعطای امتیازات ناشی از آزادسازی در این زمینه‌ها به کشورهایی که کسب امتیاز مشابهی از آنها معقولانه است، کار خردمندانه‌ای نخواهد بود. لکن در جائیکه یک تعادل متقابل منافع در فضای «GATT» قبلاً وجود داشته باشد و یا از

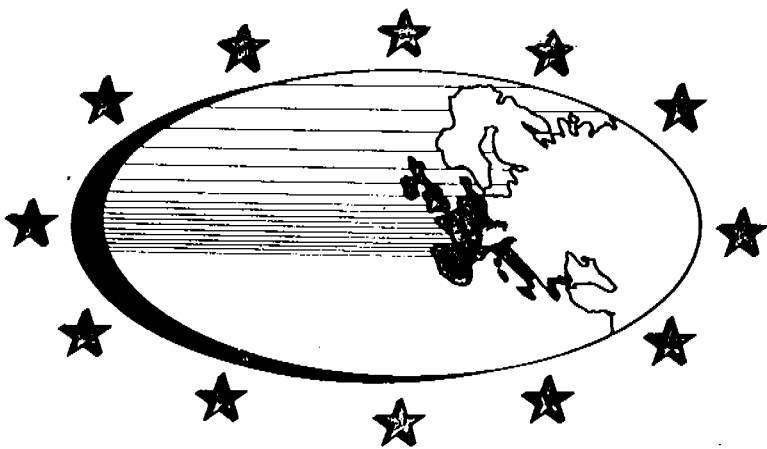
طریق مذاکرات قابل دستیابی باشد، چنین منافعی در دسترس شرکای جامعه خواهد بود.

البته این به معنای حفظ شرایط دسترسی به بازار جامعه می‌باشد آنهم در جائیکه این امر مخالف با تعهدات جامعه در جریان دسترسی به یک سطح مطلوب عمل متقابل عمومی، به عنوان بخشی از روند مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه نباشد.

همچنین روشن است که این دیدگاه چه معانی را در بر ندارد. منظور جامعه این نیست که شرکای آن باید قوانین یکسان با قوانین جامعه را بپذیرند که امری کاملاً غیرمنطقی است. همچنین جامعه اروپا بدنبال «عمل متقابل بخشی» به مفهوم تعادل تجارت در هر بخش بین جامعه و هریک از شرکای آن نیست.

شرایط عمل متقابل که در پیشنهادات کمیسیون — برای بخشهایی که تاکنون تحت پوشش قوانین «GATT» نبوده — آمده است (بر طبق مفهومی که در بالا اشاره شد) بخشی نیستند. این شرایط امکان دسترسی شرکتهای خارجی را به بازار جامعه در مقابل ایجاد شرایط بازار مشابه یا حداقل غیرتبعیضی از سوی کشورهای آنان فراهم می‌سازد. این امکان حالت اختیاری دارد، لکن نتیجه آن این است که جامعه در هر مورد، دسترسی آزاد را به شرکتهای هر کشوری که بازار آن از قبل باز بوده باشد و یا بطور مستقل باز شود و یا در بخش مربوطه با جامعه قرارداد چندجانبه یا دوجانبه منعقد نماید، ارائه می‌دهد.

در مورد بانکداری، ضابطه عمل متقابل برای تازه‌واردین به بازار جامعه بکار خواهد رفت. کمیسیون روشن ساخته است که هیچگونه عطف به ماسبقی در مورد این ماده وجود ندارد. به عبارت دیگر این ضابطه برای شعبات بانکهای خارجی که قبلاً تأسیس شده‌اند بکار نخواهد رفت، حتی اگر این بانکها حقوق جدیدی براساس قانون بازار



واحد کسب نمایند.

بنابراین زمینه‌های جدید که جامعه تمایل دارد در باره عمل متقابل عمومی در آنها فعالیت نماید، در چهارچوب هدف اصلی محدود می‌گردد. لکن نکات عمده مورد تأکید سیاست جامعه تغییری نخواهد کرد.

نتیجه گیری

جامعه اروپا مشارکت در آزادسازی را به کشورهای جهان سوم پیشنهاد می‌کند، زیرا برای دستیابی به بازار واحد که در جهان انعکاس وسیعی یافته - آزادسازی یک امر اساسی بشمار می‌رود. جامعه اروپا بجای ایجاد یک دژ نفوذناپذیر، بسوی تلاشی گروهی و جدید جهت ایجاد حیات مجدد در اقتصاد جهانی پیش می‌رود.

مأخذ

Commission Des Communautés Europeenes, *Europe 1992: Europe World Partner*, EC Media Release, Geneva: 1989.

دنیای خارج حق دارد که برنامه تکمیل بازار واحد را پراهمیت تلقی نماید و اثرات احتمالی آن بر کشورهای جهان سوم را با علاقه بررسی نماید. این حقیقت که چنین علاقه‌ای منجر به نگرانی می‌شود، نیاز به تشریح دقیق جزئیات برنامه را کاملاً روشن می‌سازد. روند تصمیم‌گیری جامعه در این مورد از قبیل روشن بوده و بدون شتاب می‌باشد. لکن همچنانکه روند تغییرات قانونی در حرکت بسوی ۱۹۹۲ سرعت می‌یابد، ممکن است نیاز به استفاده جدی‌تر از کانالهای موجود مشورت با کشورهای جهان سوم بوجود آید، زیرا پیشنهادات هر یک از آنها می‌تواند ارتباط مستقیمی با تجارت بین‌المللی داشته باشد. جامعه همواره از درخواست برای چنین مشاوره‌هایی استقبال کرده و خواهد کرد.